DOI: 10.22034/mral.2025.2052765.1705

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴

مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی پلیس در حقوق اداری ایران و انگلیس

بهرام تیمورنژاد[۱]

هادی نعیمی[۲]

علیرضا نواریان[۳]

چکیده

برای تحقق مسئولیت مدنی، وجود سه رکن ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت میان ضرر وارده و فعل زیان‌بار ضروری است. پژوهش حاضر، به بررسی قوانین و رویه‌قضایی در مسئولیت مدنی پلیس در دو نظام حقوق اداری ایران و انگلیس، می‌پردازد. در برخورد مجرم و متهم با پلیس، حقوق ایران یکی از شرایط پرداخت خسارت توسط پلیس را عدم تقصیر (بی‌گناهی) زیان‌دیده می‌داند. به‌علاوه، نحوه عملکرد زیان‌دیده و پلیس در ورود ضرر، فروض مختلفی دارد که در میان آنها فرض مشارکت هردو در ورود ضرر، پیچیده‌ترین مورد است. رویه‌قضایی نیز از نظر واحدی پیروی نکرده و از حیث شیوه عمل و احراز تقصیر زیان‌دیده و پلیس، امور مختلفی ازجمله توجه به معیارهای قانونی، مهدورالدم بودن و... را مدنظر قرار داده است. معیارهایی همچون حمایت از زیان دیده و توجه به حقوق مأموران پلیس، عدالت و عدم تبعیض آشکار در برخورد با موارد مشابه، جلوگیری از تجری ناقضان نظم عمومی، در باب مسئولیت مدنی پلیس، نشان‌دهنده مشترکات و تمایزات این دو نظام حقوقی در جزئیات شرایط مسئولیت مدنی است. در مواردی همچون مسئولیت ناشی از ترک فعل، مسئولیت ناشی از فعل غیر، جبران خسارت معنوی، نحوه تقسیم مسئولیت در فرض تعدد اسباب و... تفاوت اساسی میان مسئولیت مدنی حرفه‌ای پلیس میان نظام حقوقی دو کشور ایران و انگلیس وجود دارد. روش تحقیق در این پژوهش، از نوع توصیفی- تحلیلی و در جمع‌آوری از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت، مسئولیت مدنی، پلیس، ضابط، ضابط قضایی، حقوق ایران، حقوق انگلیس.

---

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی ،واحد زنجان ، دانشگاه آزاد اسلامی ، زنجان ، ایران. timornezhadbahram@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران .(نویسنده مسئول)، hadi.naeimi@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد زنجان،دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان ایران. dr.a.navarian@gmail.com

مقدمه

بحث از مسئولیت مدنی پلیس به عنوان یکی از موارد مسئولیت مدنی خاص و حرفه‌ای، ابعاد مختلفی را در بردارد ازجمله می‌توان از مبانی، شرایط، آثار(جبران خسارت و دعوای مسئولیت مدنی علیه پلیس) مسئولیت مدنی پلیس نام برد و به دلیل تطبیق دو نظام حقوقی در باب یک مسئولیت خاص، ناگزیر به انجام دو تطبیق به طور همزمان خواهیم بود: تطبیق دو نظام حقوقی ایران و انگلیس در باب شرایط مسئولیت مدنی از یک طرف و مقایسه و تطبیق شرایط مسئولیت مدنی یک قشر خاص تحت عنوان پلیس از سویی دیگر که مستلزم بیان وضعیت مسئولیت مدنی آنها در مقایسه با شخص دیگری که شرایط مسئولیت مدنی آنها تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی است، می‌باشد.

در این میان اهمیت بررسی شرایط (ارکان) که با اجتماع آنها مسئولیت مدنی بر پلیس تحمیل می‌گردد، نگارنده را بر آن داشت تا با بررسی این ارکان، ضمن تکیه بر ویژگی خاص حرفهٔ پلیس که در هر نظام حقوقی منجر به در نظر قرار دادن قواعد ویژه مسئولیت مدنی (در قالب مقررات یا نظریه‌های حقوقی) گشته است، نقاط مشترک و متمایز مسئولیت این گروه را در دو نظام حقوقی ایران و انگلیس تحلیل حقوقی نماید؛ بنابراین تکیهٔ متن حاضر در درجه نخست بر قواعدی است که تنها در مورد مسئولیت مدنی پلیس امکان بحث می‌یابد؛ اما این امر مانع از بررسی مباحثی که در مورد پلیس واجد مصادیق ویژه می‌باشد، نخواهد بود.

سازمان پلیس بنا به گستردگی مأموریت‌های انتظامی و امنیتی و قضایی که بر اساس قوانین موضوعه ازجمله قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و قوانین مجازات اسلامی و مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و سایر قوانین کیفری بر عهده دارد، ممکن است دچار نقض برخی از اصول اساسی این ماموریت‌ها یا نقض قوانین گردیده و موجبات مسئولیت کیفری یا حقوقی خود را فراهم آورد. اگرچه برخی از این جرائم صرفاً جنبه عمومی دارند و مسئولیت مدنی در آنها محقق نمیست لیکن بسیاری از جمله جرایم دارای جنبه خصوصی و دارای جنبه مدنی (جبران خسارت) نیز هستند؛ بنابراین، ارتکاب برخی اعمال و رفتار توسط پلیس یا تصمیمات اشتباه سازمان یا مسئولین ممکن است منجر به تحقق مسئولیت کیفری و مدنی پلیس گردد.[۱]

۱. عبداله پور، محمدمهدی، آجودانی، علی، آجودانی، مسئولیت مدنی پلیس در جمهوری اسلامی ایران، دانش انتظامی

یکی از شاخص‌ترین حافظان امنیت که با شهروند بیشتر سروکار دارد، پلیس می‌باشد. در این خصوص، نیروی پلیس در برابر تضمین و رعایت حقوق شهروندی تکالیف دوگانه‌ای را بر عهده دارند. از یک طرف، آنها موظفند که جز در مواردی که مجوز قانونی وجود دارد از دخالت در حقوق شهروندان به طور خودسرانه خودداری کنند و از سوی دیگر، آنها موظفند در مقابل نقض حقوق هر شهروند توسط دیگر شهروندان نیز عکس‌العمل مناسبی نشان دهند و حقوق و آزادی‌های افراد را در این زمینه مورد حمایت قرار دهند. بنابراین، با این اوصاف، می‌توان برای پلیس دو نوع مسئولیت فرض کرد: اول آن‌که پلیس ناآگاهانه یا طبق امر آمر قانونی، موجب نقض حقوق شهروندان شود و دوم آن‌که پلیس، نقض خودسرانه حقوق شهروندی از سوی دیگران را ببیند و به وظایف قانونی خود در حمایت از حقوق شهروند بزه‌دیده عمل نکند.[۱]

پلیس مظهر اقتدار و قدرت هر نظام است که در نظام جمهوری اسلامی ایران مطابق ماده ۳ قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ که هدف از تشکیل این نیرو استقرار امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی از دستاوردهای انقلاب در چارچوب قانون برشمرده شده است. مولفه‌های پلیس در جوامع توسعه‌یافته عبارت است از: پلیس باید بیشتر تحت نظارت غیرنظامی باشد تا نظامی، پلیس باید با رعایت معیارهای بین‌المللی حقوق بشر به خدمت رسانی عمومی بپردازد، پلیس باید خصلتی متکثر و فاقد تعصب قومی داشته باشد.[۲]

در نظام حقوقی ایران، هنگامی‌که مقامات و مشاغلی مانند مأموران انتظامی در مقام حرفه و شغل و مناسبت‌های شغلی به عنوان مامور از طرف دولت اقدامی خسارت بار مرتکب می‌شوند، مسئولیت آنان باتوجه‌به شغل و مناسبت‌های مربوطه مطرح می‌گردد. در چنین وضعیتی، از یکسو، رعایت قواعد ویژه مسئولیت حرفه‌ای و شغلی ضرورت پیدا می‌کند و از سوی دیگر، مسئولیت مدنی دولت و جبران خسارت از طرف نهاد متبوع به عنوان کارفرما قابل طرح است.[۳]

سمنان، سال چهارم، شماره ۱۷، ۱۳۹۴، ص ۷۳

۱. هاشمی، سیدمحمد و همکاران، رابطه سببیت در مسئولیت مدنی پلیس در نقض حقوق شهروندی، دانش انتظامی، شماره ۸۵، ۱۳۹۸، ص ۲۲۸

۲. تقی‌زاده انصاری، مصطفی، سازمان جهانی پلیس جنایی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، ص ۹۸

۳. سجادی کیا، مهدی و همکاران، تأملی نو پیرامون نقض حقوق شهروندان و مسئولیت مدنی ماموران انتظامی با نگاهی

مشخص شدن شرایط مسئولیت مدنی ضابطان قضایی، علاوه‌بر اینکه موجب دقت و مراقبت بیشتر آنها در اجرای ماموریت‌های پلیسی و به نوعی اصلاح رفتار می‌شود، باعث آشنایی زیان‌دیده‌ها از این حوادث نسبت به موارد مسئولیت و عدم مسئولیت مدنی ضابطان هم می‌گردد که علاوه‌بر تأثیر در اصلاح رفتار زیان‌دیده‌ها از این حوادث، امکان احقاق حق نامبرده‌ها را نیز فراهم می‌سازد. براین اساس تطبیق دو نظام حقوقی ایران و انگلستان در باب شرایط مسئولیت مدنی از یک‌طرف و مقایسه و تطبیق شرایط مسئولیت مدنی یک قشر خاص تحت عنوان پلیس از سویی دیگر که مستلزم بیان وضعیت مسئولیت مدنی آنها در مقایسه با اشخاص دیگر و اداره پلیس که شرایط مسئولیت مدنی آنها تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی است، می‌باشد. در این پژوهش، به دنبال آنیم که به این پرسش پاسخ دهیم که مسئولیت مدنی پلیس به عنوان ضابط قضایی در حقوق ایران و حقوق انگلیس با رویکرد تطبیقی در چیست؟

گفتار نخست. مفهوم و مصادیق ضابطان قضایی

بند نخست. انواع ضابط قضایی

ضابطان دادگستری طبق ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری به دو دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌انداز: ضابطان عمومی دادگستری و ضابطان دادگستری خاص.

ضابطان دادگستری دارای صلاحیت عمومی هستند. یعنی اصل بر صلاحیت ضابط کل دادگستری است و این ضابط فقط در مواردی که قانون صراحتاً او را منع کرده است اختیاری ندارد و در بقیه موارد م تواند دخالت کند. افسران کل شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران هستند که آموزش های مربوطه را دیده اند.

در مقابل ضابط عام، ضابط خاص وجود دارد؛ بدین معناکه اصل بر عدم صلاحیت ضابط خاص قضایی است و اختیارات وی منحصر به مواردی است که در قانون آمده است و حق دخالت در بقیه موارد را ندارد.

ضابطان خاص عبارتند از مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند. مانند رؤسا، معاونان و عوامل زندان در خصوص امور زندانیان، عوامل

به فقه امامیه، حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۴، شماره ۱، ۱۴۰۳، ص ۷۲.

وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و عوامل نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

مصداق ضابطین دادگستری در انگلیس نه مطابق مصادیق کنونی آن، از سابقه و پیشینه بسیار طولانی برخوردار است. در گذشته در این کشور افرادی با عنوان افسران اجرای احکام که تحت نظر پادشاه و نهاد سلطنت قرار داشتند در راستای اجرای احکام و قوانین قضایی و همچنین به عنوان حافظان حقوق افراد درصدد جلوگیری از جرم و کشف آن اقدام می‌کردند. با این حال با توسعه و رشد نهادهای قضایی تغییراتی در تعریف، مصادیق و وظایف و اختیارات افسران اجرای احکام به وجود آمد. با این حال در قوانین و مقررات جدید در انگلیس ضابطین دادگستری یا مأمورین اجرا با عنوان (Enforcement Agent) شناخته می‌شوند، این افراد در قوانین گذشته تحت عنوان (Bailiffs) شناخته می‌شدند. در قوانین و مقررات این کشور ضابطین به کسانی گفته می‌شود که مسئول اجرای احکام دادگاه، احکام کنترلی یا احکام دستگیری هستند. این افراد معمولاً شامل افرادی هستند که در بخش دولتی و خصوصی استخدام شده‌اند.[1] در انگلیس اغلب ضابطین دادگستری دارای یک مقام حقوقی هستند که درجه‌ای از اختیارات یا صلاحیت قضایی نیز به آنان داده می‌شود. ضابطان در انگلیس از انواع مختلفی برخوردارند و دفاتر و وظایف آنها بسیار متفاوت است. همان‌گونه‌که اشاره شد این اصطلاح برای اولین‌بار در انگلستان به طور کلی برای افسران پادشاه، مانند کلانترها، شهرداران و به‌ویژه افسر ارشد به‌کار برده می‌شد.[2] امروزه ضابط در قوانین انگلیس بیشتر به کسانی اطلاق می‌شود که در راستای اجرای احکام قضایی در حوزه‌های تعریف شده اقدام می‌کنند. در قوانین و مقررات انگلیس ضابطین دادگستری دارای مصادیق متعددی است که البته هرکدام از آنها دارای وظایف مشخص و معینی هستند.

بند دوم. وظایف ضابط قضایی

ضابطان دادگستری بسته به عام یا خاص بودن و سمتی که دارند می‌توانند وظایف مختلفی از جمله دستگیری متهم برای جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم و یا فرار وی داشته باشند. قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ به طور کلی به وظایف ضابطین اشاره کرده است که درادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

1. Paterson, C. Adding value? A review of the international literature on the role of higher education in police training and education. Police Practice and Research, 12(4), 2017, P.287

2. Elinson, Z., & Frosch, D. Cost of police-misconduct cases soars in big U.S. cities. The Wall Street Journal. 2015, July 15, P 54.

مطابق ماده ۳۵ قانون مذکور، ضابطین، ملزم به انجام وظایف خود، اعم از ارائه گزارش یا اجرای دستورات مقام قضایی، در اسرع وقت می‌باشند و در صورتی که بنا به شرایط موجود نتوانند انجام وظیفه نمایند، موظف هستند تا پایان مدت تعیین‌شده، گزارش کار را همراه با ذکر علت، به اطلاع مقام قضایی برسانند.

طبق ماده ۳۷، ضابطین قضایی، موظف به دریافت گزارش‌های کتبی و شفاهی، بدون محدودیت زمانی هستند؛ گزارش‌های شفاهی نیز باید در صورت مجلس قید شود و به امضای شاکی برسد. بعد از ثبت گزارش، ضابط قضایی موظف است، بدون فوت وقت، آن را به دادستان ارجاع دهد.

مطابق ماده ۳۸، ضابطین قضایی وظیفه دارند، شاکی را از حقوقی که دارد مطلع سازند، به این معنا که به شاکی تفهیم کنند می‌تواند از حقوقی مانند درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره و سایر کمک‌های حقوقی بهره‌مند شود.

ضابطین دادگستری در انگلیس در قانون ۱۹۹۶ این کشور دارای اختیارات محدودی بودند و هرکدام از آن‌ها وظایف خاص و معینی را دارا بودند براساس قوانین این کشور ضابطین دادگستری و قضایی این کشور در سراسر انگلیس و ولز وجود داشتند و هرکدام وظایف خود را انجام می‌دادند. با این حال از سال ۲۰۰۷ به ضابطین این کشور اختیارات یکسان و تام را بدست آوردند و وظایف آنان هماهنگ با وظایف پلیس انگلیس شد.[1] ضابطان دادگستری یکی از عوامل اجرایی هستند که دادگاه محلی، ایالتی و فدرال به طور خاص به آن نیاز دارند زیرا آنها وظایف متعددی را برعهده دارند. هر ضابط دادگستری باید کلیه دعاوی خود را اجرا کند و کلیه دستورهای اجرایی (مگر در مواردی که در دادگاه در مورد خاصی دستور داده باشد) که به دست او می‌رسد را اجرا کند و وظایف خود را مطابق قوانین انجام دهد. یکی از مهم‌ترین وظایف ضابطین ابلاغ دعاوی به متهم‌ها در اسرع وقت است.[2] ازجمله وظایف ضابطین در انگلیس انجام تدابیر مقدماتی و امور ابتدایی است که در بسیاری از کشورها جزء وظایف نهادهای قضایی محسوب می‌شود اما در این کشور، این وظایف به ضابطین دادگستری

1. Rydberg, J., Nalla, M., and Mesko, G. The perceived value of a college education in police work in Slovenia. Journal of Criminal Justice and Security, 12(14), 2012, P. 413.

2. Bayley, D. and Perito, R. Police corruption: What past scandals teach about current challenges. Special report for the United States Institute of Peace. Washington, DC.2018, P.80.

داده شده است. برای مثال اقداماتی نظیر حق تحقیق و تفحص و کشف جرائم که جزء وظایف ضابطین دادگستری است. ضابطین به محض دریافت گزارش درخصوص وقوع یک جرم وظیفه بررسی موضوع، ارائه گزارش، اعمال اقدامات بررسی و جستجو به‌منظور کشف علل جرم و دستگیری مجرمین و متهمین را دارا هستند.[1] بر اساس قوانین و مقررات انگلیس ضابطین دادگستری می‌توانند بدون دستور قضایی هر شخصی را که درصدد ارتکاب جرم است و یا بر اساس مبانی متعارف مظنون در تلاش برای ارتکاب جرم است را دستگیر کنند. در این حوزه ضابطین دادگستری در شرایط زیر می‌توانند اقدام به دستگیری افراد کنند:

- به منظور جلوگیری از وقوع جرم مشهود؛
- جلوگیری از صدمه جسمی به خود یا هر شخص دیگری؛
- جلوگیری از ایجاد خسارت جانی یا خسارت به اموال؛
- جلوگیری از ارتکاب جرم علیه شهروندان؛
- اقداماتی که موجب جلوگیری از هرگونه تعقیب مجرم یا ناپدید شدن مجرم شود؛
- محافظت از کودک یا شخص آسیب پذیر دیگر در برابر مظنونان.

با این حال این موضوع با دستگیری اشخاص متفاوت است. در این‌راستا ضابطین دادگستری در دستگیری افراد باید دارای دستور کتبی قضایی باشند. حکم دستگیری باید به صورت کتبی شامل مشخصات فردی که باید دستگیر شود و جزئیات جرمی که ادعا شده مرتکب شده‌اند باشد؛ بنابراین در صورتی که افراد در حین ارتکاب جرم نیستند یا شواهد دال بر ایجاد وقوع جرم نیست ضابطین صرفاً با حکم قضایی می‌توانند اقدام به دستگیری افراد نمایند.[2]

یکی دیگر از وظایف ضابطین دادگستری در انگلیس تفهیم اتهام یا حق آگاهی و کسب اطلاع از علل و جهات دستگیری است. تفهیم اتهام به معنای اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم به زبان و شیوه‌ای که باتوجه‌به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد، است. چنین اعلام

1. Coderch, Pablo Salvador, Scope of Liability: The Vanishing Distinction between Negligence and Strict Liability, European Journal of Law and Economic, vo128, 2019, P.52.

2. Turner, Chris, **Key facts Tort Law**, 4th edition, Hodder Education, England, 2020, P.12.

رسمی ازجمله حقوق دفاعی متهم و وظایف ضابطین دادگستری انگلیس است تفهیم اتهام در تمام نظام‌های حقوقی، حق متهم و از معیارهای دادرسی منصفانه محسوب می‌شود.

بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ ماده ۵ و بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به این حق تحت عنوان حق اطلاع یافتن بر موضوع اتهام از همان ابتدای دستگیری تصریح دارند. این مسئله در حقوق انگلستان نیز پیش‌بینی شده است. به این ترتیب که حتی زمانی که پلیس مظنونی را که در حال ارتکاب بزه بوده، بازداشت می‌کند، مکلف است او را از دلیل دستگیری یا در همان زمان یا در سریع‌ترین زمان ممکن مطلع کند، حتی اگر دلیل بازداشت مسلم باشد. با این حال ضابطین دادگستری در این کشور از محدودیت‌هایی برخوردارند و در زمان انجام وظیفه می‌بایست کلیه حقوقی که برای متهمین و مجرمین به رسمیت شناخته شده را رعایت نمایند. به‌عنوان مثال در این کشور ضابطین باید در هنگام دستگیری متهمین دلیل دستگیری را توضیح دهند، متهمین می‌توانند با نزدیکان خود ارتباط برقرار کنند، حق انتخاب وکیل داشته باشند یا موضوع را با وکیل خود در میان بگذارند، متهمین می‌توانند به طور موقت با قید وثیقه آزاد شوند و اینکه متهمین حق توضیح و دفاع از خود در برابر اتهامات وارد شده از سوی ضابطین را دارند.[1]

از مواد مذکور می‌توان نتیجه گرفت که وظایف ضابطان دادگستری می‌تواند شامل هر اقدامی باشد که قانونگذار تحت عنوان وظایف ضابطان دادگستری در قانون مقرر داشته باشد. و همچنین کلیه مواردی که مقام قضایی مافوق به وی دستور می‌دهد.

گفتار دوم. مبانی حقوقی و مسئولیت مدنی پلیس

مبانی حقوقی مسئولیت مدنی شامل نظریه «تقصیر» و «خطر» می‌باشد. و کلیه مسئولیت دولت‌ها و اشخاص مطابق این نظریه است. با مطالعه در نظام حقوق مسئولیت مدنی انگیس می‌توان دریافت که موجبات مسئولیت مدنی مرتبط با فعالیت پلیس در این نظام، همگی از یک مبنا پیروی نمی‌کنند. این تعدد در مبانی را می‌توان با توجه به عواملی همچون ماهیت موجبات مسئولیت مدنی و فلسفه ایجاد آن‌ها و دیگر عوامل، توجیه نمود.

1. Lennox, Liz," Your Rights as a Defendant in Court ", about humanrights, http://www.abouthumanrights.co.uk/your-rights-defendant-court.html.2020, P.1.

بند نخست. نظریه تقصیر

این نظریه مسئولیت مدنی را در صورتی مطرح و تعیین تکلیف می داند که عامل زیان مرتکب فعل زیان‌باری باشد. اساس این مسئولیت، سنجش رفتار مدیر خسارت است. اگر از نظر جامعه رفتاری را که برای حفظ حقوق دیگران ضروری است تجاوز کند، ملزم به جبران خسارت است و اگر رفتار او از نظر اخلاقی مستحق سرزنش نباشد، در این صورت مسئول نیست بر اساس این نظریه، مسئولیت مدنی تنها در صورتی محقق می شود که دو چیز قابل اثبات باشد: اول وقوع تقصیر. دوم، وجود رابطه سببیت بین تقصیر و خسارت وارده.

بعضی از اندیشمندان بیان می‌کنند که مسئولیت شخص مقصر در جبران خسارات ناشی از تقصیر از جمله احکام عقل و نتایج ماهیت امور است. به گفته آنها، در هر موردی که فردی به دنبال یافتن مسئول یک حادثه زیان‌بار است، اولین عاملی که به ذهن او خطور می‌کند، فردی است که در اثر تقصیر او متحمل خسارت شده است. بسیاری حقوقدانان نظریه تقصیر را نمی‌پذیرند و آن را برای مسئولیت مدنی دولت ناکافی می دانند.

در حقوق انگلیس تاریخچه‌ی انتخاب مبنای تقصیر به عنوان رکنی از ارکان مسئولیت مدنی، به قرن ۱۹ میلادی برمی‌گردد. در قرن ۱۹ میلادی نهادی همچون بیمه به شدت محدود بود و خسارات معمولاً توسط شخص واردکننده زیان پرداخت می‌شد. در حال حاضر نیز حقوق انگلیس نتوانسته خود را از میراث به جای مانده از قرن ۱۹ میلادی برهاند و همچنان تقصیر در اغلب موارد موجب مسئولیت مدنی به عنوان مبنا و رکن محسوب می‌گردد.[1]

الف. تقصیر

در میان موارد مسئولیت مدنی بر مبنای تقصیر، این عنوان می‌تواند شاه‌بیت موارد مسئولیت مدنی موجود در حقوق انگلیس محسوب گردد. درواقع کامل‌ترین ساختار مسئولیت مبتنی بر تقصیر در این عنوان نمودار گشته و موارد بسیاری از پرونده‌های مسئولیت مدنی را در بر دارد.

1. Cooper, F. R.. The “seesaw effect” from racial profiling to depolicing: Toward a critical cultural theory. In B. Fleury-Steiner & L. B. Nielsen (Eds.), The new civil rights research: A constitutive approach (pp. 139-156). Burlington, VT: Ashgate Publishing, 2016, P.18.

۲- «ضرب و جرح»[1] و «سوءقصد»[2]؛ در حقوق انگلیس این دو عنوان به همراه توقیف غیرقانونی، ذیل عنوان موجبات مسئولیت مدنی ناظر بر اشخاص مورد بحث قرار می‌گیرند. (اما چنانچه خواهیم گفت مبنای مسئولیت مدنی در توقیف غیرقانونی متفاوت با این دو می‌باشد.) با عنایت به قواعد موجود درخصوص ضرب و جرح و سوءقصد، احراز قصد پلیس -که از انواع تقصیر محسوب می‌شود- برای ایجاد مسئولیت لازم است.

امروزه موارد مسئولیت مدنی مرتبط با اشخاص، اساساً در حیطه آزادی‌های مدنی قرار دارند و در قالب موارد با رفتار غیرمناسب و ناشایست پلیس ارتباط پیدا می‌کند. در قضایای متعددی در طی سالیان، اشخاصی که مورد ضرب و جرح از سوی پلیس قرار گرفته‌اند موفق به دریافت خسارت شده‌اند. برخلاف تجاوز به املاک که اقامه دعوا حتی بدون تحقق خسارتی که نمودِ خارجی داشته باشد نیز ممکن است، در تجاوز به اشخاص در صورت عدم اثبات رود خسارت، دعوا رد خواهد شد.[3]

این که نقض وظیفه‌ای که به حکم قانون برای پلیس در نظر گرفته شده، می‌تواند موجب مسئولیت مدنی پلیس شود، امری منطقی است فارغ از این که آیا مسئولیت کیفری نیز وجود دارد یا خیر، مسئولیت مدنی به عنوان ضمانت اجرای عدم این وظایف، بر پلیس تحمیل می‌شود. در نظام حقوقی ایران، وظایف پلیس در قوانین مختلفی ذکر شده است. در بسیاری از این قوانین که اغلب واجد عناوین کیفری هستند، صریح به وجود مسئولیت کیفری و حتی میزان و نرخ مجازات آنها اشاره شده است. وجود مسئولیت مدنی به سبب ارتکاب جرم را می‌توان در مواد ۲ و ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دریافت. در این موارد، مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم تحت عنوان دعوای خصوصی قابل طرح است. از قابلیت طرح چنین دعوایی، می‌توان وجود مسئولیت مدنی مرتکب را استنباط نمود. همچنین، منعی برای پذیرش این مسئولیت حتی در مواردی که تقصیر و عمد شرط تحقق مسئولیت مدنی نیست، مخوارد مسئولیت بدون تقصیر وجود ندارد و قواعد عام مسئولیت مدنی آن را دربرمی‌گیرد.[4]

1. Trespass to the Person

2. Assault

3. Horsey Kirsty, Rackley Erika, Tort Law, USA: Oxford University Press,2019, P.98.

۴. هاشمی، سیدمحمد و همکاران، فعل زیانبار پلیس در تحقق مسئولیت مدنی پلیس ناشی از نقض حقوق شهروندی در

با عنایت به قواعد مسئولیت مدنی در باب تقصیر حرفه‌ای، معیار تقصیر پلیس، نقض مقررات قانونی مربوط به فعالیت پلیس است. به عنوان نمونه، در زمینه استفاده از سلاح، این وظایف به‌تفصیل در قانون به‌کارگیری سلاح ذکر شده و در نتیجه به لحاظ احراز تقصیر مأمور، مشکل جدی ایجاد نمی‌شود. بررسی آراء قضایی در این زمینه نشان می‌دهد که قضات در عمل، سه رویکرد متفاوت بر مبنای تقصیر و نحوه عملکرد زیان‌دیده دارند. [1]

۲- «تجاوز به املاک»[۲]: تجاوز به ملک غیر عبارت است از ورود یا مداخله غیرقانونی در ملک غیر به طور عمد یا همراه با تقصیر. قید غیرقانونی مربوط به مواردی می‌شود که ورود یا مداخله در ملک غیر بدون وجود مجوز از سوی صاحب ملک یا بدون مجوز قانونی صورت گرفته باشد. حتی در موردی که شخص با مجوز وارد شود اما در ملک غیر، مرتکب اعمال خارج از مجوز شود، ذیل عنوان تجاوز به ملک، مسئول خواهد بود. [۳]

مشخصهٔ بارز تجاوز به املاک، «قابلیت اقامه دعوا ذاتی[۴]» آن است؛ به این معنا که صرف ورود به ملکِ غیر بدون ورود خسارت به آن، موجب امکان طرح دعوا می‌گردد؛[۵] بنابراین اگر پلیس بدون داشتن اختیارات قانونی (ازجمله این قوانین می‌توان از قانون «پلیس و وقایع جنابی مصوب ۱۹۸۴»[۶] نام برد) و برای دستگیری و تفتیش وارد ملک شخصی گردد، مسئولیت خواهد داشت.[۷]

در حقوق ایران، شرط لازم برای مسئولیت ناشی از ترک فعل، تقصیر است. قانونگذار در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی از تقصیر کارمندان دولت نام برده است. به موجب این ماده، «کارمندان دولت و

حقوق ایران و کامن لا، پژوهش‌های دانش انتظامی، سال ۲۳، شماره ۱، ۱۴۰۰، ص ۲۵۲.

۱. رحیمی، حبیب اله، خیاطی گرگری، ماهدیس، **نقش زیان دیده در مسئولیت مدنی پلیس (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس)**، پژوهش حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره ۱۷، ۱۳۹۵، ص ۱۶.

2. Trespass to the Land

3. Turner, Chris, **Key facts Tort Law**, 4th edition, Hodder Education, England. 2020. P.66.

4. Actionable per se

5. Turner, Chris, **Key facts Tort Law**, 4th edition, Hodder Education, England. 2020. P.67.

6. Police and Criminal Evidence Act (1984)

۷. ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز در حقوق ایران، ورود به حریم خصوصی اشخاص را محدود به حکم قانون و رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی می‌داند.

شهرداری و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و موسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره و موسسات مزبور است ولی در مورد اعمال حاکمیت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.»

باتوجه‌به اینکه کارمندان دولت در این ماده به صورت عام به کار رفته است بنابراین، شامل مامورین پلیس نیز می‌گردد. مسئولیت مدنی در این ماده مبتنی بر تقصیر است و مسئولیت بدون تقصیر مورد توجه قرار نگرفته است. منظور از تقصیر در این ماده، تقصیر شخصی کارمند است نه خطای اداری و باید خساراتی را که از خطاهای شخصی کارمندان به بار آمده از ضررهای ناشی از خطای اداری آنان تفکیک کرد.[1]

معیار چنین تفکیکی را می‌توان تکلیف اداره یا دستگاه دولتی در مراقبت دانست. یعنی در موردی که سازمان دولتی باید بر اعمال کارمند خود مراقبت بیشتری نماید، عدم انجام این وظیفه موجب تقصیر کارمند و ایراد خسارت به دیگری گردد، چنین خسارتی ناشی از خطای اداره تلقی می‌گردد. ولی در غیر این مورد که سازمان دولتی چنین تکلیفی ندارد، خطا قابل‌انتساب به کارمند است و نامبرده شخصاً مسئول است؛ بنابراین، اگر مامورین نیروی انتظامی در انجام وظایف محوله بدون تقصیر، موجب ورود خسارت به دیگری گردند بر اساس ماده مذکور نمی‌توان برای آنها مسئولیت قائل شد. به عنوان مثال، اگر مأموری در هنگام تیراندازی، قوانین و مقررات مربوطه را رعایت ننماید، یعنی اقدام به تیراندازی غیرمجاز نماید که موجب خسارت اعم از جانی و مالی دیگری گردد، به علت این که پلیس در این مورد مرتکب تقصیر شده است، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشد. ولی اگر تیراندازی وفق قانون به کارگیری سلاح باشد و موجب خسارت یا صدمه شخص بی‌گناهی شود، براساس ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، نمی‌توان برای نامبرده مسئولیت مدنی قائل گردید، زیرا مرتکب تقصیر نشده است.[2]

---

۱. غمامی، مجید، مسئولیت مدنی دولت نسبت به کارکنان خود، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶، ص ۱۲۵

۲. عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی پلیس، تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل، شماره ۲، ۱۳۸۶، ص ۵۱

بند دوم. نظریه خطر

بدین ترتیب مشاهده می شود که این نظریه دارای دو جنبه سلبی یا نفی و ایجابی یا اثباتی است. جنبه سلبی این نظریه تأکید می‌کند که برای احقاق مسئولیت مدنی نیازی به تقصیر نیست و باید تقصیر از شرایط مسئولیت مدنی خارج شود. بدین‌ترتیب مشاهده می‌شود که این نظریه دارای دو جنبه سلبی یا نفی و ایجابی یا اثباتی است.

جنبه سلبی این نظریه تأکید می‌کند که برای احقاق مسئولیت مدنی نیازی به تقصیر نیست و باید تقصیر از شرایط مسئولیت مدنی خارج شود. بر این اساس مطابق این نظریه «اثرات هر عمل انسان تنها بر او تأثیر نمی‌گذارد و بر دیگران تأمل می‌کند؛ بلکه به نفع گروهی است و برای دیگران مضر است، اما این آثار نتیجه اجباری زندگی اجتماعی است. پس نمی‌توان تشخیص داد که ضرر رساندن به دیگری به‌تنهایی موجب الزام به جبران آن می‌شود.»

با بررسی مواردی که در حقوق انگلیس به عنوان مسئولیت محض پذیرفته شده‌اند، می‌توان دریافت که دسته‌ای از آنها ریشه در رویهٔ قضایی این کشور دارند (مانند شبه‌جرم مزاحمت و بازداشت غیرقانونی) و دسته‌ای نیز برخاسته از قوانین مختلف در زمینه مسئولیت مدنی می‌باشند (مانند قانون شورش‌ها ۱۸۸۶). همچنین در مواردی که اداره پلیس بدون ارتکاب تقصیر، مسئولیت ناشی از فعل مأمور خود را بر دوش می‌کشد، مسئولیت سازمان بدون تقصیر خواهد بود.[1]

از جمله آثار انتخاب این مبنا در برخی موارد مسئولیت مدنی را می‌توان در بحث احراز ارکان لازم (به کیفیتی که قبلاً بیان شد) و همچنین دفاعیاتی که مرتکب می‌تواند ارائه کند، مشاهده کرد. تقریباً کلیه موارد مسئولیت مدنی مبتنی بر مسئولیت محض به خوانده اجازه می‌دهند که در مقام دفاع به «خطای مشارکتی»[2] خود با خواهان توسل جوید یا به فاکتورهای دیگری که خسارت را کاهش می‌دهد؛ بنابراین در عمل، گاهی مسئلویت محض کاری بیش از معکوس کردن بارِ اثبات دعوا انجام نمی‌دهد.[3]

1. Horsey Kirsty, Rackley Erika, Tort Law, USA: Oxford University Press,2019, P.338.

2. Contributory Negligence

3. Elinson, Z., & Frosch, D. Cost of police-misconduct cases soars in big U.S. cities. The Wall Street Journal. (2015, July 15), P.37.

به تعبیر برخی نویسندگان از مسئولیت محض اگر قانونی مشخصاً بیان کند که امری باید انجام شود، صرف عدم انجام آن ایجادکنندهٔ مسئولیت خواهد بود. این امر در حیطه مسئولیت مدنی پلیس بیشتر به چشم می‌خورد و موجب گسترده شدن مسئولیت پلیس می‌گردد؛ چراکه عمده وظایف پلیس در قوانین متعددی مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است.

مسئولیت در انجام فعالیت‌های غیرمعمول، مزاحمت و استفاده از اموال دیگری به نحو محض می‌باشد. در این موارد حتی اگر مرتکب رفتار معقول هم داشته باشد یا حتی بالاتر از رفتار معقول هم عمل کند، باز هم احتیاط ارتباطی با مسئولیت او نخواهد داشت.[1]

الف) مزاحمت: اصالتاً بخشی از مسئولیت محض می‌باشد؛ یعنی بدون توجه به این امر است که این کار همراه با قصد است یا بی‌احتیاطی یا سوء نیت. با مداقه در منابع حقوق انگلیس می‌توان دریافت که این بخش از حقوق مسئلویت مدنی انگلیس در باب پلیس چندان مصداقی در عمل نداشته است.

ب) بازداشت غیرقانونی: یکی از اقسام تجاوز به اشخاص محسوب می‌شود و مطابق آن مرتکب آزادی حرکت و فعالیت خواهان را به نحو غیرقانونی محدود می‌سازد. طبق قاعده‌ای که در پرونده «رجینا علیه رئیس زندان بروکهیل» (۲۰۰۰)[2] به دست آمد: بازداشت غیرقانونی مشمول مسئولیت محض می‌گردد به این معنا که شخص می‌تواند مسئول قلمداد شود، حتی اگر نتوانسته باشد به نحو دیگری عمل کند و آگاهی از اینکه مرتکب تقصیر شده است نداشته باشد.

همچنین در پرونده‌ای که علیه پلیس در سال ۱۹۹۲[3] مطرح شد، به دنبال چند ساعت بازداشت شخصی به نام تیلور، وی توانست مبلغ ۱۰،۰۰۰ پوند بابت خسارت وارده به خود توسط پلیس دریافت کند.[4] در قضیه مشابهی نیز عمل خودسرانه و غیرقانونی پلیس در بازداشت غیرقانونی شخصی تنها به مدت ۲۰ دقیقه، منجر به ایجاد مسئولیت برای پلیس و حتی پرداخت خسارت مشدّد گشت.

1. Paterson, C. Adding value? A review of the international literature on the role of higher education in police training and education. Police Practice and Research, 12(4),2017, P. 657.

2. Regina v Governor of Brockhill Prison [2000] 3 WLR 843 (HL).

3. Taylor v Metropolitan Police Commissioner [1992] The Times 6th Dec.

4. Harpwood, Vivienne, op. cit. p292.

مضاف بر این موارد، حتی در صورتی که بازداشت اولیه قانونی باشد اما پس از رفع موجب بازداشت، پلیس در آزادسازی شخص تأخیر نماید، از زمان تأخیر، بازداشت غیرقانونی محسوب می‌گردد.[1]

بنابراین باتوجه به اصالت هریک از موجبات مسئولیت مدنی در حقوق انگلیس و مبانی متفاوتی که در برخی از آنها وجود دارد می‌توان گفت حقوق انگلیس در کنار مبنای اصلی خود یعنی تقصیر که عنصر لازم در بیشتر موارد مسئولیت مدنی می‌باشد، در مواردی هم به موجب قواعد کامن‌لا و قوانین خاص مسئولیت بدون تقصیر را برای پلیس پذیرفته است.

در حقوق ایران نیز تقصیر به عنوان مبنای اصلی برای مسئولیت مدنی پلیس پذیرفته شده؛ اما قانون‌گذار در مواردی مسئولیت بدون تقصیر بر پلیس بار نموده است. اما موارد (مصادیق) مسئولیت مدنی بدون تقصیر در دو نظام با هم منطبق نیست؛ به عبارت دیگر مواردی که در نظام حقوقی ایران به عنوان مسئولیت بدون تقصیر پذیرفته شده، درمقایسه‌با حقوق انگلیس از گستردگی کمتری برخوردار است.

گفتار سوم. شیوه‌های جبران خسارت ناشی از فعل زیان‌بار پلیس در حقوق ایران و انگلستان

بسیاری از اقدامات پلیس ممکن است به ایجاد خسارت مالی بیانجامد و او ملزم به جبران خسارت شود. تردیدی نیست که پلیس در راستای انجام وظایف و مأموریت‌های محوله ممکن است به اموال و حقوق مالی شهروندان یا سازمان پلیس یا شخص متهم خسارت مالی وارد سازد که در این صورت موضوع مسئولیت وی بایستی مورد ارزیابی قرار گیرد.

بند نخست. جبران خسارت مادی

چنانکه پیش‌ازاین در باب اتلاف بیان نمودیم اتلاف اموال شهروندان و سازمان پلیس برای مأمور پلیس مسئولیت مدنی به همراه دارد و او مکلف به جبران خسارات مالی وارده می‌باشد. خسارت مالی و اقتصادی ممکن است نسبت به عین یا منفعت مال حادث شود مثلاً گاه شخصی اتومبیل دیگری را آتش زند و تلف کند عین مال تلف شده و به عنوان خسارت مثبت موجب ضمان است و همچنین اگر شخصی اتومبیل

1. Lawrence v Chief Constable of Dyfed and Powys [1983] unreported. See also: Roberts vChief Constable of Chesline [1999] EWCA Civ 655; [1999] 1 WLR 662 (CA). P.87.

دیگری را برباید و پس از دو ماه سارق دستگیر شود و اتومبیل به صاحب آن مسترد شود منافع دو ماههٔ اتومبیل تلف شده است. اتلاف منفعت نیز همان اتلاف مال و ضمان‌آور است.[۱] در حقوق جدید درمقابل خسارت مثبت، خسارت منفی یا عدم‌النفع به‌عنوان یکی از مصادیق خسارت‌های مالی و اقتصادی در نظر گرفته شده است.[۲] البته جبران اخلاقی به دلیل غیرقابل محاسبه بودن آن و همچنین سخت بودن جبران خسارات معنوی از نظر فنی و نیز ناپسند بودن این عمل مخالفت کرده‌اند. از سوی دیگر، برخی معتقدند که هدف از مسئولیت مدنی رفع ضرر نیست، بلکه اجازه دادن به زیان‌دیده است.

حداقل معادل چیزی که از دست رفته است، اگرچه پرداخت متداول‌ترین راه‌حل است، اما در مورد جبران خسارت معنوی می‌توان راه‌حل‌های مناسب‌تری مانند انتشار حکم محکومیت عامل خسارت را پیش‌بینی کرد.

د خصوص قابلیت جبران خسارت معنوی در حقوق و فقه ایران دیدگاه‌های بسیاری وجود دارد. برخی از فقها مانند، آیات فاضل لنکرانی، علی سیستانی، ناصر مکارم شیرازی، موسوی اردبیلی و نوری همدانی، دیدگاهی مبنی بر جبران خسارت ندارند.

در حقوق کنونی انگلستان «مسلم بودن» از شرایط ضرر قابل جبران محسوب نمی‌شود و به جای این شرط، لازم است «نوع خسارت» پیش بینی‌پذیر باشد؛ زمانی که نوع خسارت پیش‌بینی‌پذیر باشد، اصولاً نحوهٔ ورود خسارت و میزان آن از اهمیت خاصی برخوردار نخواهد بود.[۳]

در حقوق انگلستان، تا سال ۱۹۶۱ میلادی «مستقیم بودن»، شرط اصلی ضرر جبران‌پذیر بود و براساس آن، عامل زیان مسئول تمامی‌خساراتی محسوب می‌شد که نتیجهٔ مستقیم عمل او بود. بر این اساس تفاوتی نمی‌کرد که نوع و گسترهٔ خسارات تا کجا پیش می‌رود؛ اما در حقوق کنونی انگلستان، مستقیم بودن از شروط زیان قابل جبران شناخته نمی‌شود.

---

۱. مال اعم است از عین یا منفعت.

۲. ملک‌زاده، سلیمان، مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر پلیس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، ص۸۸

3. Bayley, D. and Perito, R. Police corruption: What past scandals teach about current challenges. Special report for the United States Institute of Peace. Washington, DC.2018, P.10.

در حقوق انگلستان نیز طبق رأیی که هیئت مشاورین سلطنتی در سال ۱۹۶۱ صادر نمود[1]، قابلیت پیش‌بینی متعارف، به‌عنوان مهم‌ترین شرط ضرر قابل‌جبران شناخته شد و کمی‌بعد این رویه مورد پیروی دادگاه‌های استرالیا هم قرار گرفت.[2]

قانون مدنی انگلیس، مقررات قانونی را که مستقیماً موضوعات مسئولیت مدنی را تنظیم می‌کند، ندارد. بر اساس قواعد غرامت برای ضرر و زیان وارده ناشی از بازداشت‌های غیرقانونی در بخش سوم آیین دادرسی کیفری انگلیس آورده شده است. طبق ماده ۱۴۹ از این قانون، شخصی که در زمان دادرسی در بازداشت موقت قرار گرفته، در صورت تبرئه از اتهام طی حکم نهایی، به درخواست شخصی‌اش مستحق غرامت تمام برای هر صدمه اخلاقی یا فیزیکی که بازداشت به او وارد آورده می‌باشد. به هر حال اگر این تصمیم تنها بر اساس تشخیص عدم مسئولیت اش طبق ماده ۱-۱۲۲ قانون جزا باشد، خسارتی در کار نخواهد بود.[3]

غرامت در نتیجهٔ حکمی داده خواهد شد که نخستین رئیس شعبه و حوزه قضایی که دعوی در آن مطرح رسیدگی است، با دریافت دادخواستی به مدت ۶ ماه از تاریخی صدور حکم نهایی که شخص تبرئه شده و طرح دعوی نموده، نخستین رئیس شعبه حکم به دریافت غرامت صادر خواهد کرد.

بند دوم. جبران خسارت غیرمالی

در قانون مدنی انگلیس چند نوع خسارت غیرپولی وجود داردکه عبارتند از: درد و رنج جسمانی، عدم توانایی بر هدایت و اداره لایف استایل مرسوم و روزمره، اختلالات روانی موقتی، خسارات زیبایی شناختی، از دست دادن عملکرد شخصی، محرومیت از خدمت یا شغل مناسب یا توانایی اداره خانواده، ازدست دادن امیدزندگی، خسارات جبران‌نشدی و تغییرناپذیر به سلامت روانی، اختلالات نباتی، آسیب‌های جنسی و غیره.

1. Liu, J. C. (2013, June 4). City of New York Office of the Comptroller Claims Report Fiscal Year 2012. New York, NY: Office of the Comptroller, 2013, P.36.

2. Lambert, E. G., Hall, D. E., & Ventura, L. Litigation views among jail staff: An exploratory and descriptive study. Criminal Justice Review, 28(1), 2013, P.76.

3. Roberg, R. and Bonn, S Higher education and policing: Where are we now? Police Strategies and Management, 27(4), 2017, P.P.480-484.

در انگلیس، اصل غرامت کامل برای خسارات قابل اعمال است. ایده بر غرامت برای خسارات تا آنجا که ممکن است می‌باشد. به هرحال، به خصوص در موضوعاتی که مربوط به غرامت غیرپولی است، مشکلاتی می‌تواند به وجود آید؛ بنابراین غرامت کامل تمامی خسارت مادی واردشده به همراه اموال منقول و غیرمنقول، خسارت‌های مالی (مانند حقوق و منافع) و به همان اندازه خسارات غیر مادی مانند درد و رنج قربانی و همچنین درد و رنج نزدیکان او را در برمی‌گیرد. برای محاسبه میزان غرامت غیرمادی در فرانسه، خسارت ویژه‌ای در انگلیس در سال ۲۰۱۵ برقرار شد. این غرامت فهرستی از تمام خسارات جبران‌پذیر و روش‌های ارزیابی را برقرار ساخت.[1]

قاضی برای تعیین و تقویم خسارت می‌تواند از مقررات قانونی تبعیت نکند. او نباید هنگامی‌که قربانی ادعا و درخواست نکرده، حکم به غرامت برای خسارت دهد، همچنین مجبور نیست ارزیابی خود را از خسارات در هنگام حکم به طور سرجمع و یا خسارات را با تشریح و جزئیات مشخص کند.[2]

نخستین گام برای حکم به‌غرامت برای خسارات وارد شده از سوی افسران پلیس اخذ نظریه کارشناسی و گزارش از متخصص پزشکی است. از آنجایی‌که قاضی حق تعیین میزان غرامت را در حکمش دارد، ممکن است دستور مبنی بر بررسی کارشناسی و گزارش از متخصص پزشکی صادر نکند؛ به هر حال هنگام ارزیابی خسارت، چنین اطلاعاتی اغلب لازم است، وانگهی، ممکن است این کارشناسان برای گواهی دادن یا تصدیق کردن به دادگاه فرا خوانده شوند.

گفتار چهارم. مصونیت پلیس از مسئولیت مدنی

بند نخست. خطاهای شغلی

مصونیت از مسئولیت، اغلب در مورد خطاهای شغلی مطرح می‌شود. هنگامی که صاحبان حرفه‌های تخصصی و معینی در اجرای وظایف قانونی خود، بدون آنکه عمد یا سوءنیتی داشته باشند به‌واسطه تقصیر غیرعمدی خساراتی به دیگران وارد کنند، به نظر می‌رسد که باید مصونیت آنان را مورد بررسی

1. Rydberg, J., Nalla, M., and Mesko, G. The perceived value of a college education in police work in Slovenia. Journal of Criminal Justice and Security, 12(14), 2012, P.311.

2. Paterson, C. (2017) Adding value? A review of the international literature on the role of higher education in police training and education. Police Practice and Research, 12(4), 2017, P.290.

قرار داد. طرح موضوع مصونیت پلیس از آنجا مطرح می‌شود که اگر مقرر شود، در مواردی که پلیس در مقام انجام وظیفه به‌واسطه وقوع خسارت ناشی از مسامحه، مسئول قلمداد شود، باب دعاوی بی‌شمار در این مورد باز و در هر موردی که دعوا علیه پلیس اقامه شود، پرونده‌ای طرح خواهد شد که موضوع آن بازبینی پرونده‌های سابق و احراز تخلف یا مسامحه پلیس است. از سوی دیگر، ترس ناشی از مسئولیت، سبب خواهد شد پلیس نتواند با تمرکز کامل، وظایف خود را انجام دهد و این امر مخل سیاست‌های کلی دولت به حساب می‌آید.

بند دوم. رویکرد حقوق ایران و انگلیس

مطالعه آراء دادگاه‌های کامن‌لا، نشان می‌دهد که مفهوم مصونیت با آنچه در حقوق ایران بیان شده، یکسان نیست. به عبارت دیگر، دادگاه‌های انگلیس هنگامی که پلیس را مصون تلقی کنند، در عین حال به‌منزله مصونیت سازمان پلیس از جبران خسارت نیز تلقی می‌شود درحالی‌که تحلیل حکم ماده ۱۷۱ قانون اساسی به مصونیت قاضی اشاره و در عین حال، مسئولیت دولت به رسمیت شناخته شده است. به نظر می‌رسد که مصونیت در دو مفهوم عام و خاص مورد بررسی قرار داد و آنچه در رویه قضایی کامن‌لا مطرح شده به معنای مصونیت عام است که تحت آن، نه پلیس و نه سازمان پلیس، مسئولیتی در قبال خسارت وارد شده نخواهد داشت.

مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، خسارت واردشده توسط کارمندان دولت در صورتی‌که ناشی از نقص وسائل ادارات و موسسات مزبور باشد، برای کارمند مسئولیتی ایجاد نمی‌کند و اداره یا سازمان متبوع مسئول جبران خسارت است. اگر پلیس، وظیفه مراقبت را به نحو متعارف انجام ندهد، باید با بررسی شرایط و اوضاع و احوال قضیه، به این سوال پاسخ داد که آیا خسارت وارده ناشی از عمد یا تقصیر و بی‌احتیاطی پلیس است یا نقص سیستم سازمانی پلیس. نظر به اینکه تعهد پلیس، تعهد به وسیله است نه تعهد به نتیجه و نمی‌توان از پلیس انتظار داشت که به نتیجه مطلوب دست یابد، لذا نرسیدن به نتیجه، به‌خودی‌خود، نقض وظیفه مراقبت را اثبات نمی‌کند و مدعی باید ثابت کند که پلیس در انجام چنین وظیفه‌ای کوتاهی کرده است. اگر در چنین حالتی، پلیس کوتاهی و تقصیر کرده باشد، علی‌القاعده مسئول جبران خسارات وارد شده است اما با درنظر گرفتن حکم ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، شناسایی چنین مسئولیتی دشوار است زیرا در همان ماده به

مصونیت دولت در قبال اقدامات ناشی از اعمال حاکمیت اشاره و دولت را در چنین مواردی مصون از مسئولیت شناخته است. درمقابل، ممکن است استدلال شود که معافیت دولت در مقام اعمال حاکمیت مذکور در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، ناظر به فعل مثبت است نه ترک فعل و چنانچه دولت از اجرای وظایف خود کوتاهی و مرتکب ترک فعل شود، مصونیت دولت منتفی است که به نظر نمی‌رسد، منظور قانونگذار از وضع حکم اخیر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی چنین بوده باشد.[۱]

نتیجه‌گیری

در نظام حقوقی ایران و انگلیس و با عنایت به قواعد عمومی، ممکن است زیان‌دیده باتوجه‌به عملکرد خود، رابطه سببیت پلیس با خسارت وارده را قطع کند و درنتیجه، جزئاً یا کلاً از دریافت خسارت محروم شود. در فروض سه‌گانه (مشارکت کلی، عدم مشارکت و مشارکت جزئی) پیچیده‌ترین بحث، قسم اخیر است. باعنایت‌به تغییرات حقوق ایران در باب تقسیم مسئولیت میان سبب و مباشر، در فرضی که تأثیر عمل آنا متفاوت باشد، مسئولیت با توجه به تأثیر عمل در نظر گرفته می‌شود. حقوق انگلیس نیز از همین قاعده پیروی کرده است.

۷- با عنایت به این امر که در حقوق ایران، غالب پرونده‌هایی که در خصوص مسئولیت مدنی پلیس ذکر شد به مرحله رسیدگی در دیوان عالی کشور نیز رسیده است می‌توان دریافت که شعب دیوان عالی کشور در مواجهه با پرونده‌هایی که زیان‌دیده به نوعی در ورود خسارت به خود مشارکت می‌کند، با اتخاذ معیارهای مختلف، آراء متفاوتی در موضوعات واحد صادر کرده‌اند که برخی از آنها حتی با اعمال معیار واحد نیز در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند. صرف توجه به معیارهای عینی (خروج از رفتار متعارف) نمی‌تواند در کلیه موارد وجود خطای مشترک، سنگ محک مناسبی برای تقصیر تلقی شدن رفتار زیان‌دیده باشد و درخصوص مسئولیت مدنی پلیس در تیراندازی به سوی افراد، باید معیاری جامع که منطبق بر شرایط و اوضاع و احوال خاص هر پرونده باشد، به کار گرفته شود. این معیار در نظام حقوقی انگلیس نیز مورد توجه قضات این کشور قرار گرفته است.

۸- افسران پلیس در انگلستان طبق قوانین آیین دادرسی کیفری انگلیس برای خسارت مسئول‌اند.

---

۱. جباری، منصور، شعاریان، ابراهیم، **مسئولیت مدنی پلیس در نقض وظیفه مراقبت**، دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره ۳، ۱۳۸۹، ص ۲۶۶

در این کشور «اصل غرامت کامل» برای جبران خسارت با سوء رفتار افسران پلیس اجباری است. خسارات مالی (خسارات مستقیم و منافع ممکن الحصول) در هر پرونده برای پرداخت غرامت، مورد حکم قرار می‌گیرند. باتوجه‌به غرامت برای خسارات غیرپولی، باید خاطر نشان ساخت که هرگونه سوءرفتاری از جانب افسران پلیس می‌تواند پایه و اساسی برای ادعای خسارت غیرپولی شود. برای ارزیابی میزان خسارت غیرپولی در انگلیس، یک فهرست غرامت خاص استفاده می‌شود که به هر حال برای قاضی که حق تعیین میزان غرامت را دارد، اجباری نیست. این میزان غرامت می‌تواند از سوی دادگاه استیناف مورد تغییر و اصلاح قرار گیرد. قربانی در صورتی که سه مؤلفه: تقصیر خوانده، خسارت غیرپولی و یا مادی و رابطه علیت میان تقصیر و خسارت وارده وجود داشته باشد، مستحق اقامه دعوی برای غرامت خسارت وارده توسط افسران پلیس است. به‌هرحال دلایل متفاوتی برای معافیت افسران پلیس از مسئولیت یا محدودیت این مسئولیت وجود دارد که عبارتند از: فورس ماژور، تقصیرقربانی، یا غفلت او.

لذا پیشنهاد می‌شود قانونگذار حین تصویب قوانین، به جای تکرار قواعد مندرج در قوانین عمومی، موارد مورد نظر خود را به قواعد عمومی ارجاع دهد و تنها زمانی اقدام به تخصیص قواعد عمومی در قوانین خاص نماید که موجب منطقی برای آن وجود داشته باشد.

از حیث شیوه جبران خسارت معنوی به عقیده نگارنده می‌توان با تکیه بر تفسیر لفظی و منطقی از قوانین موجود، قائل به قابل جبران بودن این خسارت از راه پرداخت مال به زیان دیده بود؛ امری که در حقوق انگلیس نیز پذیرفته شده و از این جهت پذیرش آن خارج از چارچوب‌های حقوقی موجود در حقوق مسئولیت مدنی نیست. در این راستا و برای رفع ابهام از تبصره ۱ ماده ۱۴ ق. آ. د. ک. ج. پیشنهاد می‌شود برای سهولت بیشتر در استناد به این مقرره جهت مطالبه جبران خسارت معنوی از طریق دادن مال، با جابه‌جایی دو کلمه متن تبصره تغییر یابد.

فهرست منابع

الف: فارسی

۱. تقی‌زاده انصاری، مصطفی، سازمان جهانی پلیس جنایی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.

۲. جباری، منصور، شعاریان، ابراهیم، مسئولیت مدنی پلیس در نقض وظیفه مراقبت، دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره ۳، ۱۳۸۹.

۳. رحیمی، حبیب اله، خیاطی گرگری، ماهدیس، نقش زیان دیده در مسئولیت مدنی پلیس (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس)، پژوهش حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره ۱۷، ۱۳۹۵.

۴. سجادی کیا، مهدی و همکاران، تأملی نو پیرامون نقض حقوق شهروندان و مسئولیت مدنی ماموران انتظامی با نگاهی به فقه امامیه، حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۴، شماره ۱، ۱۴۰۳.

۵. عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی پلیس، تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل، شماره ۲، ۱۳۸۶.

۶. عبداله پور، محمدمهدی، آجودانی، علی، آجودانی، مسئولیت مدنی پلیس در جمهوری اسلامی ایران، دانش انتظامی سمنان، سال چهارم، شماره ۱۷، ۱۳۹۴.

۷. غمامی، مجید، مسئولیت مدنی دولت نسبت به کارکنان خود، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶.

۸. ملک‌زاده، سلیمان، مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر پلیس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.

۹. هاشمی، سیدمحمد و همکاران، رابطه سببیت در مسئولیت مدنی پلیس در نقض حقوق شهروندی، دانش انتظامی، شماره ۸۵، ۱۳۹۸.

۱۰. هاشمی، سیدمحمد و همکاران، فعل زیان‌بار پلیس در تحقق مسئولیت مدنی پلیس ناشی از نقض حقوق شهروندی در حقوق ایران و کامن لا، پژوهش‌های دانش انتظامی، سال ۲۳، شماره ۱، ۱۴۰۰.

ب: انگلیسی

1. Bayley, D. and Perito, R. Police corruption: What past scandals teach about current challenges. Special report for the United States Institute of Peace. Washington, DC.2018.

2. Coderch, Pablo Salvador, Scope of Liability: The Vanishing Distinction between Negligence and Strict Liability, European Journal of Law and Economic, vo128, 2019.

3. Cooper, F. R.. The "seesaw effect" from racial profiling to depolicing: Toward a critical cultural theory. In B. Fleury-Steiner & L. B. Nielsen (Eds.), The new civil rights research: A constitutive approach (pp. 139-156). Burlington, VT: Ashgate Publishing, 2016.

4. Elinson, Z., & Frosch, D. Cost of police-misconduct cases soars in big U.S. cities. The Wall Street Journal. (2015, July 15).

5. Elinson, Z., & Frosch, D. Cost of police-misconduct cases soars in big U.S. cities. The Wall Street Journal. 2015.

6. Horsey Kirsty, Rackley Erika, Tort Law, USA: Oxford University Press,2019.

7. Horsey Kirsty, Rackley Erika, Tort Law, USA: Oxford University Press,2019.

8. Lambert, E. G., Hall, D. E., & Ventura, L. Litigation views among jail staff: An exploratory and descriptive study. Criminal Justice Review ,28(1), 2013.

9. Lawrence v Chief Constable of Dyfed and Powys [1983] unreported. See also: Roberts vChief Constable of Chesline [1999] EWCA Civ 655; [1999] 1 WLR 662 (CA).

10. Lennox, Liz," Your Rights as a Defendant in Court ", about humanrights, http://www.abouthumanrights.co.uk/your-rights-defendant-court.html.2020,

11. Liu, J. C. (2013, June 4). City of New York Office of the Comptroller Claims Report Fiscal Year 2012. New York, NY: Office of the Comptroller, 2013.

12. Paterson, C. (2017) Adding value? A review of the international literature on the role of higher education in police training and education. Police Practice and Research, 12(4), 2017.

13. Paterson, C. Adding value? A review of the international literature on the role of higher education in police training and education. Police Practice and Research, 12(4),2017.

14. Paterson, C. Adding value? A review of the international literature on the role of higher education in police training and education. Police Practice and Research, 12(4), 2017.

15. Regina v Governor of Brockhill Prison [2000] 3 WLR 843 (HL).

16. Roberg, R. and Bonn, S Higher education and policing: Where are we now? Police Strategies and Management, 27(4), 2017.

17. Rydberg, J., Nalla, M., and Mesko, G. The perceived value of a college education in police work in Slovenia. Journal of Criminal Justice and Security, 12(14), 2012.

18. Rydberg, J., Nalla, M., and Mesko, G. The perceived value of a college education in police

work in Slovenia. Journal of Criminal Justice and Security, 12(14), 2012.

19. Taylor v Metropolitan Police Commissioner [1992] The Times 6th Dec.

20. Turner, Chris, **Key facts Tort Law**, 4th edition, Hodder Education, England, 2020.

21. Turner, Chris, **Key facts Tort Law**, 4th edition, Hodder Education, England. 2020.

A Comparative Study of Police Civil Liability in Iranian and English Administrative Law

Bahram Teymournezhad[1]
Hadi Naeimi[2]
Alireza Navarian[3]

Abstract

In order to impose liability for damages on individuals, the existence of three elements of harm, harmful act, and causal relationship between the harm caused and the harmful act is necessary. The present study examines the laws and judicial procedures on the civil liability of the police in the two administrative law systems of Iran and England. The research method in this study is descriptive-analytical and uses library resources. In the dealings of criminals and defendants with the police, Iranian law considers one of the conditions for payment of damages by the police to be the victim's lack of fault (innocence). In addition, the way in which the victim and the police act in causing the damage has various assumptions, among which the assumption of both participating in causing the damage is the most complex. Judicial procedures also do not follow a single point of view and have considered various matters, including attention to legal criteria, bloodguilt, etc., in terms of the method of action and determination of the victim's and the police's fault. Criteria such as protection of the injured party and consideration of the rights of police officers, justice and non-discrimination in dealing with similar cases, preventing the exploitation of violators of public order, regarding the civil liability of the police, indicate the commonalities and differences between these two legal systems in the details of the conditions of civil liability.

KeyWords: Liability, civil liability, police, bailiff, judicial bailiff

1. PhD student in Private Law, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran, timornezhadbahram@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Law, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran, hadi.naeimi@gmail.com

3. Assistant Professor, Law Department, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran, dr.a.navarian@gmail.com